

کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت*

** نگار داوری اردکانی

*** عطیه عیار

چکیده

زبان‌شناسی جنسیت یکی از شاخه‌های مورد توجه در حوزه جامعه‌شناسی زبان است که به مطالعه تأثیر متغیر جنسیت بر ایجاد گوناگونی‌های زبانی می‌پردازد. از آنجا که بیشتر مفاهیم اجتماعی - فرهنگی و از جمله مفهوم جنسیت، مفاهیمی چند بعدی هستند، برداشت‌های تک بعدی و مطلق از این مفاهیم منجر به نوعی سطحی‌نگری به ویژه در حوزه‌های پژوهشی می‌شود. هدف این مقاله در درجه اول معرفی لایه‌های مختلف زبان‌شناسی جنسیت و به بیان دیگر جنبه‌های مختلف مسائل زبان و جنسیت است. سپس با تمهید این پایگاه نظری می‌کوشیم که وضعیت این رشته مطالعاتی نوپا را در پژوهش‌های ایرانیان روشن نماییم. اما این حوزه مطالعاتی تقیصه‌های متعددی دارد که از جمله آنها محدودنگری غیرروشن‌شناختی، نادیده انگاشتن نظریه‌های جنسیتی مطرح، در نظر گرفتن «بافت» به عنوان چند متغیر اجتماعی مجزا از هم و نه به عنوان شبکه‌ای از رابطه‌ها، در نظر گرفتن رفتار زبانی مردانه به عنوان هنجار می‌باشد.

کلید واژه

زبان‌شناسی جنسیت، ساختارهای زبانی، برنامه‌ریزی جنسیتی زبان، زبان فارسی، کاربرد زبانی

*- تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۱۲/۵

** - دکترای زبان‌شناسی همگانی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی n_davari@sbu.ac.ir

***- کارشناس ارشد زبان‌شناسی

(۱) مقدمه

یکی از موضوعات مورد توجه در حوزه میان رشته‌ای زبان‌شناسی اجتماعی و یا جامعه‌شناسی زبان، زبان و جنسیت یا به تعبیر تخصصی‌تر زبان‌شناسی جنسیت^۱ است. عنوان «زبان و جنسیت» در ظاهر ساده است تا آنجا که ممکن است تصور شود، دیگر نیازی به پژوهش در این حوزه وجود ندارد. حتی علاقه‌مندان به این حوزه نیز به طور معمول به ذکر چند تفاوت مشهور (و بعضاً نادرست) بین کاربردهای زبانی دو جنس قناعت می‌کنند و موضوع به همینجا ختم می‌شود. از دیدگاه زبان‌شناسی پرداختن به تاثیر متغیر جنسیت بر زبان موجه و ضروری است چون زبان‌شناس را قادر به توصیف دقیق‌تر زبان می‌کند. از دیگر سو پژوهش در این موضوع از دیدگاه جامعه‌شناسی ضرورت می‌یابد چرا که راهی برای آگاهی از جایگاه جنسیت‌ها در جوامع و تاثیر متقابل آنها در شکل‌گیری ارتباط است. در واقع جامعه‌شناسان با کسب این نوع آگاهی‌ها زمینه را برای کار برنامه‌ریزان اجتماعی فراهم می‌آورند. هدف این مقاله در درجه اول ترسیم تصویری دقیق از حوزه وسیع زبان‌شناسی جنسیت و ابعاد مختلف آن است. به بیان دیگر، می‌خواهیم بدانیم حوزه مطالعاتی زبان‌شناسی جنسیت به چه مسائلی می‌پردازد. در درجه دوم به بررسی ضرورت‌های پژوهشی این حوزه در ارتباط با زبان فارسی خواهیم پرداخت. به نظر می‌رسد که آرائی غیر علمی درباره رابطه متغیر جنسیت و زبان در میان عوام و نیز متخصصان وجود دارد که معمولاً بدیهی و مسلم تلقی می‌شود. با

۱ - اصطلاح زبان‌شناسی جنسیت معادل اصطلاح انگلیسی gender linguistics است که در عنوان و متن کتابی با نام Slavic Gender Linguistics به کار برده شده است. در این کتاب تعریف روشنی برای این اصطلاح ارائه داده نشده و به همین دلیل یکی از اهداف مقاله حاضر، تعیین حدود و ثغور این حوزه مطالعاتی است (Mills, 1999: p251). اصطلاحات و ترکیبات مشابه دیگری برای نامیدن این حوزه مطالعاتی یا بخش‌هایی از آن در منابع انگلیسی زبان به کار برده شده است که برخی از آنها عبارتند از: feminist linguistic, language and gender studies, linguistics of gender

پژوهش‌هایی از این قسم می‌توان به واقعیت این رابطه در ابعاد مختلف پی برد و در نتیجه اقدام به اصلاح و بازسازی آراء افراد و گروه‌ها نمود. در واقع اطلاع از واقعیت وضع موجود شیوه تاثیرگذاری متغیر جنسیت بر زبان برنامه‌ریزان اجتماعی و نیز برنامه‌ریزان زبان را قادر به اعمال تغییرات و تاثیرات جهت دار و سودمند خواهد نمود. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: مطالعه درباره موضوع زبان و جنسیت مستلزم پرداختن به چه مؤلفه‌هایی است؟ مطالعه درباره زبان و جنسیت به طور خاص در مورد زبان فارسی و یا در مورد جامعه ایرانی اکنون در چه موقعیتی است؟ به بیان دیگر پایگاه مطالعاتی این موضوع در ارتباط با زبان فارسی و جامعه ایرانی چه وضعیتی دارد و انجام چه نوع پژوهش‌هایی مورد نیاز است؟

۲) مروری بر پیشینه زبان‌شناسی جنسیت

۱-۲) مطالعات غیر ایرانیان

پژوهش‌های حوزه زبان‌شناسی جنسیت از اوایل دهه ۷۰ میلادی آغاز گشت. این نوع پژوهش‌ها در آغاز بیشتر معطوف به بررسی تاثیر متغیر جنسیت در رفتار کلامی افراد در سطح آوایی و نیز شیوه تعامل بود (Wodak & Benke:2007). ساپیر (۱۹۲۹)، لباو (۱۹۷۲)، لیکاف (۱۹۷۳)، برنند (۱۹۷۵)، دویوا و کراچ (۱۹۷۵)، براور و دیگران (۱۹۷۹)، براگین (۱۹۸۱)، ترادگیل (۱۹۸۳)، بارون (۱۹۸۶)، کامرون و دیگران (۱۹۸۹)، آریلس (۱۹۹۱)، درالیک (۱۹۹۳)، جیمز و کلارک (۱۹۹۳)، تانن (۱۹۹۵)، روماین (۱۹۹۹)، میلز (۲۰۰۳)، گوردن (۲۰۰۳) و وارداف (۲۰۰۶) از جمله افرادی هستند که درباره زبان‌شناسی جنسیت پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. از آنجا که در آثار تانن (۱۹۹۵)، وارداف (۲۰۰۶) و وداک و بنکه (۲۰۰۷) می‌توان به

اهم موضوعات مطرح شده در این حوزه دست یافت در زیر به ذکر فهرست وار موضوعات مطرح شده در این دو اثر می‌پردازیم.

تانبه به زبان‌شناسی جنسیت از منظر گفتمانی می‌پردازد. او معتقد است که برقراری ارتباط فقط به معنای ادای منظور و مقصود نیست، بلکه کیفیت ادای مقصود (فارغ از معنای آن) که معمولاً تحت تاثیر بافت فرهنگی یک جامعه است در شکل‌دهی به مقصود نهایی بسیار مهم است (Tannen, 1995:p138). وی یکی از عوامل دوام سبک‌های ویژه گفتاری هر یک از دو جنس را تمایل هر یک به برقراری ارتباط بیشتر با همجنسان خود می‌داند (Ibid, p139).

وارداف با تمایز گذاشتن میان «جنس زیست‌شناختی» و «جنسیت فرهنگی - اجتماعی»، مسئله جنسیت در زبان را بیشتر پدیده‌ای فرهنگی و بافت محور تلقی می‌کند (Wordhaugh, 2006: p315-316). با این حال وی قائل به دو نظام جنسیتی طبیعی و دستوری در زبان‌ها می‌شود (Ibid, p320). به علاوه او به تفاوت‌های آوایی و زیرزنجیری، واژگانی، دستوری، معنایی و گفتمانی یا ارتباطی نیز اشاره می‌کند (Ibid, p318-320). او به سه رویکرد غالب برای توجیه تفاوت‌های زبانی در دو جنس به شرح زیر اشاره می‌کند: تفاوت زیست‌شناختی زن و مرد، تسلط مرد بر زن و تفاوت اجتماعی زن و مرد. در رابطه با تفاوت‌های اجتماعی زن و مرد به گرایش‌های دو جنس به موضوعات متفاوت برای گفتگو اشاره می‌کند و تفصیل یا اختصار در کلام را ناشی از علائق زیربنایی هر یک می‌داند. سپس به استراتژی‌های ارتباطی نظیر بحث و مجادله، واکنش نشان دادن (سوال کردن، تشویق به صحبت کردن، تایید)، قطع گفتار، اهداف مختلف آن (همدلی، کنترل و مانند آن) و تفاوت آن در دو جنس می‌پردازد (Ibid, p326). به هر ترتیب، او اظهار نظرهای قاطعانه

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

و بدون توجه به بافت را در مورد هر نوع مقایسه بین دو جنس مردود می‌داند. مبحث دیگری که وارداف مطرح می‌کند، مبحث جنسیت زدگی و امکان برنامه‌ریزی جنسیتی زبان‌هاست. وارداف معتقد است با تغییر صوری زبان‌ها نمی‌توان به تحولی اساسی در جهت رفع تبعیض‌های جنسیتی دست یافت. به نظر او این تبعیض‌ها وقتی رفع می‌شوند که مبانی فکری زنان و مردان تغییر کرده باشد (Ibid, p331).

۲-۲) مطالعات ایرانیان

مدرسی در توجیه تفاوت‌های زبانی زن و مرد بیشتر قائل به تفاوت‌های اجتماعی این دو گروه می‌باشد (مدرسی، ۱۳۶۸: صص ۱۷۰-۱۶۰). او می‌گوید چون هر یک از دو جنس در برخی حوزه‌های فعالیتی فعال‌تر از جنس دیگر است، اصطلاحات مربوط به آن حوزه مردانه و یا زنانه تلقی می‌شود. مدرسی به الگوهای زبانی ویژه دو جنس نیز اشاره می‌کند و معتقد است که در صورتی که زنان و مردان هر جامعه از این الگوها پیروی نکنند، پایگاه اجتماعی ویژه خود را از دست خواهند داد و با لاقفل مورد تمسخر قرار خواهند گرفت. مدرسی به تفاوت میزان تفاوت‌های جنسیتی زبان‌های مختلف نیز اشاره می‌کند (همان، ص ۱۶۲). او به نقل از لیکاف پایگاه اجتماعی زنان را بی‌ثبات‌تر و متزلزل‌تر از مردان دانسته و انعکاس این پایگاه‌های اجتماعی را در زبان جستجو می‌کند (همان، صص ۱۶۹-۱۶۸). از جمله تفاوت‌های منظر گفتمانی زنان و مردان به این نکته اشاره می‌کند که زنان معمولاً از موضعی پرسشگر، مردد و حمایت‌طلب سخن می‌گویند در حالی که مردان از موضعی پرخاشگرانه، رقیبانه و کنترل‌کننده گفتگو می‌کنند.

پاک نهاد جبروتی در توجیه تفاوت‌های جنسیتی موجود در زبان‌ها گرایش بیشتری به فرضیه تسلط مردان بر زبان و نابرابری دو جنس دارد (پاک نهاد جبروتی،

۱۳۸۱: صص ۳۶-۳۵). البته او دو شیوه مختلف اجتماعی شدن پسران و دختران در جوامع را در شکل‌گیری این نابرابری‌ها مؤثر می‌داند. به نظر او محدود شدن دختران به محیط خانه باعث می‌شود که آنها در یک محیط غیررقابتی رشد کنند اما پسران که آزادانه می‌توانند از منزل خارج شده و در محیط خارج از خانه باشند، رفتاری رقابتی و کنترل‌جویانه پیدا می‌کنند. او به موقعیت بالاتر مرد نسبت به زن در خانه و خارج از خانه اشاره کرده و به این وسیله موقعیت اجتماعی پایین‌تر زنان را میراثی فرهنگی تلقی می‌کند که در هر دو محیط خانه و خارج از خانه به کودکان منتقل می‌شود. با این حال جبروتی به تضاد پایگاه اجتماعی مردان در خانه و برخی موقعیت‌های اجتماعی و نیز تضاد جایگاه آرمانی شخصیت مادر (ترویج شده در جامعه) و پایگاه اجتماعی واقعی او اشاره می‌کند (همان، ص ۲۵). جبروتی با استناد به داده‌های پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که در زبان فارسی نابرابری زبانی به نفع مردان وجود دارد.

پایان‌نامه‌های متعددی نیز در زمینه‌های مختلف بررسی تأثیر متغیر جنسیت بر زبان فارسی انجام شده است که در بخش ۴ همین مقاله، به منظور ترسیم چشم‌انداز پژوهشی این حوزه در زبان فارسی مطرح و طبقه‌بندی می‌شوند.

۳) زبان‌شناسی جنسیت و زیرشاخه‌های آن

موضوع زبان و جنسیت را می‌توان از منظرهای گوناگونی مورد بررسی قرار داد. می‌توان الگوهای جنسیتی متجلی در زبان را مورد بررسی قرار داد. تجلی این الگوها در زبان به شیوه‌های گوناگونی ممکن است. صورتی از این الگوها ممکن است در قالب‌های دستوری زبان متجلی شود. در نظام دستوری بسیاری از زبان‌ها طبقه واژه‌هایی که متعلق به مقوله دستوری اسم هستند، به طور احتمالاً

قراردادی و تصادفی در دو طبقه مذکر و مؤنث و یا سه طبقه مذکر و مؤنث و خنثی طبقه‌بندی می‌شوند. البته می‌توان احتمال داد که چنین طبقه‌بندی‌هایی، قراردادی و تصادفی نبوده و مبناهای معنایی و منطقی منطبق با مشخصه‌های جنسیتی جهان خارج از زبان داشته باشد. با این حال، آنچه امروز در چنین زبان‌هایی بر ما روشن است، این است که در قراردادن برخی اسامی در یک طبقه جنسیتی هیچ تناسبی نمی‌توان یافت. به هر ترتیب، واقعیت این است که جوهر زیست شناختی یا جامعه‌شناختی جنسیت آنچنان در ذهن گویشوران یک زبان نفوذ نموده است که در نظام دستوری طبقه‌بندی واژه‌ها نیز متجلی شده است. البته این نفوذ به همین جا ختم نمی‌شود؛ در طبقه افعال نیز رد جنسیت را می‌بینیم. فعل در چنین زبان‌هایی از نظر جنسیت با اسم متناظر خود باید مطابقت داشته باشد. سایر مقوله‌ها نیز در این زبان‌ها همین وضعیت را دارند. اگرچه چنانکه متذکر شدیم در بیشتر مواقع هیچ نوع ارتباطی بین این اقلام و جنسیت تعیین شده برای آنها وجود ندارد، وجود چنین نظام دستوری جنسیتی در زبان‌ها و ضرورت حفظ هماهنگی جنسیتی بین مقولات واژگانی همنشین نشان‌دهنده حضور قدرتمند طبقه‌بندی‌های جنسیتی در ذهن گویشوران این زبان‌هاست. البته شاید برخی معتقد باشند که زبان هر ملت میراث گذشتگان آن ملت است و در نتیجه گویشوران هر زبان، آن را آنچنان که به ایشان به ارث رسیده است به کار می‌برند.

از طرف دیگر، برخی از تمایزات جنسیتی موجود در اقلام واژگانی زبان‌ها که در دستور زبان‌ها وارد شده‌اند با جنسیت زیست شناختی مصداق واقعی خود در جهان خارج تطابق دارند. پس به این ترتیب، می‌توان گفت که جنسیت دستوری می‌تواند قراردادی و یا طبیعی باشد. جنسیت دستوری طبیعی خود ممکن است

زیست‌شناختی و یا اجتماعی - فرهنگی باشد. مراد از جنسیت دستوری در زبان به طور کلی وجود وندهای دستوری برای بیان تمایزات جنسیتی (چه منطبق و چه غیر منطبق با جهان خارج) می‌باشد. گاهی نیز ممکن است که جنسیت زیست‌شناختی و اجتماعی بدون هیچ نشانه خاص دستوری و به صورت مستمر در مفهوم عناصر زبانی ویژه‌ای بیان شود. مثلاً واژه پرستار در زبان فارسی نشان دستوری دال بر جنسیت مونث ندارد، با این حال نمونه اعلائی این مفهوم، جنس مونث را ترسیم می‌کند. در واقع در این موارد این مفاهیم درون خود عنصر زبانی نهفته است و شاید بتوان گفت که مفاهیم جنسیتی جزئی از مولفه‌های معنایی یا کاربردی خود عناصر زبانی است.

آنچه گفته شد، به طور یکسان به زبان نوشتار و گفتار مربوط می‌شود. اما فقط به زبان در حالت تک‌گویی^۱ می‌پردازد و بیشتر نظام ساختاری زبان در یک متن غیر مکالمه‌ای مد نظر است. نظام ساختاری زبان را نمی‌توان از نظام نقش‌های ارتباطی آن جدا کرد. در تعامل تنگاتنگ این ساختار و نقش‌های ارتباطی زبان ناچاریم برای هر رخداد زبانی (چه نوشتاری و چه گفتاری) مخاطب یا مخاطبانی در نظر بگیریم و در این جاست که موضوع عناصر زبانی مورد استفاده برای «خطاب» در جنسیت‌های مختلف طرح می‌شود. گفته شده که در کاربردهای زبانی در حالت سوم شخص (غایب، مفرد و جمع) سه نوع جنسیت مطرح می‌شود: جنسیت زیست‌شناختی، جنسیت اجتماعی و جنسیت فرهنگی. در مورد خطاب‌های زبانی (مثلاً در مکالمات) نیز همین سه مفهوم بر شکل‌گیری صورت‌های زبانی حاکم

۱- این اصطلاح معادل monologue است که در مقابل dialogue قرار دارد. مراد از زبان در حالت تک‌گویی، صورت و کاربرد غیر مکالمه‌ای زبان است، مثلاً زبان یک متن نوشتاری یا گفتاری (مانند یک سخنرانی).

است. یعنی گاهی مخاطب خود را به سبب جنسیت زیست شناختی او با عنصر زبانی خاص مورد خطاب قرار می‌دهیم، گاهی او را به سبب جنسیت اجتماعی‌اش به صورتی خاص می‌خوانیم و گاهی نیز موضوع خطاب تحت تاثیر مفهوم فرهنگی جنسیت قرار می‌گیرد. خطاب، در برخی زبان‌ها از منظر جنسیت، دستوری شده است، یعنی در این زبان‌ها، خطاب مختص هر جنس با نشانه‌های دستوری نشاندار می‌شود. آنچه گفته شد به نظام درونی زبان با نیم‌نگاهی به نظام نقشیه تعاملی زبان مرتبط بود. اما منظر نقشیه تعاملی نظام جنسیت و زبان را باید به طور مستقل مورد بحث قرار داد. به همین دلیل، اکنون با نگاهی گفتمان‌مدار به جنسیت گویندگان و مخاطبان یک رخداد ارتباطی زبانی توجه می‌کنیم. در برخی زبان‌ها جنسیت گویشور یک زبان، تعیین‌کننده عناصر زبانی است که باید مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این گاهی جنسیت مخاطب نیز در نوع انتخاب عناصر زبانی تاثیرگذار است. در این موارد اگرچه ممکن است تفاوت‌ها به سطح آوا، واژه و مانند آن هم مربوط باشند، توجه پژوهشگر بیشتر به سطوح جمله و فراتر از جمله است. یعنی اگر عناصری دستوری در این موارد نشانگر یا شاخص قرار گیرند، وندهای بندی، گروهی و جمله‌ای و به تعبیری وندهای گفتمانی یا گفتمان‌نماها هستند. به طور کلی این حوزه به مطالعه تاثیر جنسیت (مخاطب، گوینده/نویسنده و هر دو) بر کاربردهای زبانی می‌پردازد. از جمله نمونه‌های این نوع پژوهش می‌توان به بررسی موضع‌گیری نویسنده یا گوینده در متن (نوشتاری/گفتاری) اشاره نمود. مسائلی چون ادب، شک، تردید و مانند آن در این حوزه از مطالعات، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. تفاوت در کاربردهای زبانی دو جنس در برخی زبان‌ها آنچنان چشمگیر می‌شود که برخی قائل به وجود نوعی دوزبانگونی جنسیتی می‌شوند.

وضع اصطلاح «گونه جنسیتی» در زبان انگلیسی (genderlect) نیز دلالت بر وجود چنین واقعیت زبانی دارد. گونه‌های جنسیتی را هم در نوشتار و هم در گفتار می‌توان یافت.

حوزه دیگر قابل مطالعه در ارتباط با زبان‌شناسی جنسیت، مطالعه تأثیر جنسیت بر شکل‌گیری فرایندهای زبانی مختلف است؛ فرایندهایی که بعضاً حاصل برخوردهای زبانی هستند، مثلاً مطالعه تأثیر جنسیت در تمایل به رمزگردانی، قرض‌گیری و حتی زبان‌آموزی و فراگیری زبان. در این حوزه اخیر یعنی بررسی تأثیر جنسیت در زبان‌آموزی و فراگیری زبان، زیرشاخه‌های متعددی قابل بررسی و ارزیابی است که از جمله می‌توان به تأثیر جنسیت بر فراگیری مهارت‌های مختلف زبانی و استراتژی‌های ارتباطی اشاره کرد.

مطالعات زبان‌شناسی جنسیت را می‌توان از منظری غیرزبانی پی‌گرفت. مثلاً بررسی تفاوت‌های طول زمان‌گفتاری و یا تطویل نوشتاری، محتوا و موضوع (گفتار یا نوشتار)، محافظه‌کاری یا معیارگرایی در دو جنس از جمله این عناوین هستند. موضوع آخری که در اینجا طرح آن لازم و ضروری است، برنامه‌ریزی جنسیتی زبان‌هاست. شاید شروع این گرایش را در دوران معاصر بتوان به نهضت فمینیست‌ها نسبت داد. با این حال به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی جنسیتی زبان‌ها نیز همچون خود فعالیت برنامه‌ریزی زبان مسبوق به سابقه‌ای بسیار طولانی است. این حوزه از مطالعات رابطه تنگاتنگی با حوزه تحلیل گفتمان انتقادی دارد. فمینیست‌ها معتقدند که ساختارهای زبانی مردمحور، جهان را مردمحور نموده است، بنابراین برای رفع این تبعیض تاریخی لازم است که از برخی عناصر زبانی مذکرزدایی شود. با این استدلال است که آنها اقدام به تغییر واژه‌هایی در زبان انگلیسی نموده‌اند. مثلاً

جزء man موجود در همه واژه‌های مرکب را یا به person تغییر داده‌اند یا برای آنها جفت دارای جزء woman نیز ساخته‌اند و سعی در رواج آنها دارند. البته این نمونه نوعی برنامه‌ریزی جنسیتی زبان در سطحی بسیار خرد است که معمولاً مبتنی بر فرض جنسیت‌زده بودن یک زبان است. برنامه‌ریزی جنسیتی زبان همچون برنامه‌ریزی در سایر حوزه‌های زبان می‌تواند در سطوح گفتمانی کلان و با تکیه بر واقعیت‌های اجتماعی موجود طرح‌ریزی و اجرا گردد.

پس به طور کلی منشأ شکل‌گیری مفهوم «جنسیت» در زبان را می‌توان قراردادی، زیست‌شناختی - روانشناختی و اجتماعی - فرهنگی دانست. از دیگر سو، موضوع جنسیت در زبان را (با توجه جداگانه به هر یک از سه منشأ مذکور) می‌توان در عناصر زبانی (اعم از آوا، واژه، بند، گروه، جمله و متن)، گونه‌های نوشتاری و گفتاری، گویشوران و مخاطبان زبان و تعامل جنسیت‌ها مورد مطالعه قرار داد. به این ترتیب، با محدود کردن این حوزه مطالعاتی وسیع به برخی موضوعات جزئی و نیز مبتنی ساختن مطالعات این حوزه به برخی فرضیات محدود (مانند تسلط یک جنس بر دیگری و یا تفاوت دو جنس با یکدیگر) نمی‌توان تصویر دقیقی از این حوزه به دست داد. در جمع‌آوری داده‌های زبانی نیز همواره باید متوجه پیچیدگی و چندبعدی بودن مسئله زبان و جنسیت بود و در تحلیل یافته‌های میدانی نیز باید بر واقعیت‌های اجتماعی - بافتی تکیه کرد.

۴) زبان‌شناسی جنسیت و زبان فارسی

مرور مطالعات مربوط به زبان فارسی و جنسیت نشان می‌دهد که در این حوزه مطالعاتی در دو گونه نوشتاری و گفتاری زبان فارسی پژوهش‌هایی انجام شده است. هدف این مطالعات در مجموع بررسی تاثیر متغیر جنسیت بر کاربردهای

زبانی است. در میان عناوین پایان‌نامه‌های این حوزه در گونه نوشتاری موضوعات ادبیات داستانی معاصر (از جمله واژگان و انتخاب واژگان در ترجمه متون نثر ادبی از انگلیسی به فارسی...) (اصلانی، ۱۳۸۳؛ برزگر آق‌قلعه، ۱۳۷۸؛ عاصفی کیا، ۱۳۸۴)، واژگان نوشتاری دانش آموزان (توکلی، ۱۳۸۰)، استراتژی‌های ارتباطی (مانند مبالغه، همدلی، رقابت) در نوشتار (جابر، ۱۳۸۱؛ رویگریان، ۱۳۷۸) مطرح شده است. در گونه گفتاری نیز تأثیر متغیر جنسیت بر استراتژی‌های مکالمه‌ای گونه عامیانه (مانند قطع کلام در گفتگوهای زوج‌ها، شروع و پایان مکالمه، تعارف، ادب، هنجارهای واژگانی) (پورجهان، ۱۳۷۸؛ دیرین، ۱۳۸۰؛ جان‌نژاد، ۱۳۸۰؛ افتخاری، ۱۳۷۸؛ شازاد، ۱۳۸۱؛ نقش تبریزی، ۱۳۸۱؛ Yamini, 1996) عاملی موسوی، ۱۳۶۸؛ شکیبا، ۱۳۸۳؛ شاه ناصری، ۱۳۸۱؛ شیخی، ۱۳۸۶؛ یعقوبی، ۱۳۸۷)، مورد بررسی قرار گرفته است. توصیف کلی گونه محاوره‌ای فارسی (با توجه به تفاوت‌های کاربردی دو جنس در تلفظ، و از جمله تکیه، ضمائر شخصی و صورت‌های خطاب) (عسگری، ۱۳۷۵؛ نصرتی، ۱۳۷۸؛ کشاورز، ۱۳۷۱)، نیز از جمله موضوعاتی است که به آن پرداخته شده است. تأثیر سایر متغیرهای اجتماعی مانند قدرت و پست سازمانی (مهدی پور، ۱۳۷۸؛ عدمی، ۱۳۸۳)، طبقه اجتماعی (مدنی، ۱۳۷۸)، بر جنسیت در زبان نیز مورد توجه قرار گرفته است. تأثیر جنسیت در نگرش‌های زبانی (نسبت به کاربرد یک گونه خاص مثلاً گونه معیار) (صفایی اصل، ۱۳۸۳؛ انصاری، ۱۳۸۶) و نیز بر استفاده از برخی پدیده‌های زبانی ناشی از برخوردهای زبانی (مانند رمزگردانی، قرض‌گیری و یادگیری زبان) (رضاپور، ۱۳۸۶؛ رحمتیان و اطرش، ۱۳۸۶) دسته دیگری از موضوعات مورد توجه در این حوزه است.

از جمله عناوینی که به بررسی جنسیت در ساختار زبان فارسی پرداخته‌اند می‌توان به بررسی جنسیت در واژگان (فارسیان، ۱۳۷۸)، نگاه مقابله‌ای به زبان فارسی

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

و انگلیسی (Chakani, 2001) و جنسیت و شمول معنایی (شجاع رضوی، ۱۳۸۶) اشاره کرد که در واقع بررسی نظام ساختاری زبان از نظر انعکاس موضوع جنسیت است. برخی از موضوعات کلی بوده و مثلاً به بررسی تاثیر جنسیت بر تعامل زبان و فکر (Chane, 2001) و یا بر زبان و جامعه (نوشین فر، ۱۳۷۴) می‌پردازند.

با این که ظاهراً در سه حوزه «عناصرزبانی جنسیتی در نظام ساختاری زبان فارسی»، «کاربردهای زبانی مختلف جنسیت‌ها در جوامع فارسی زبان» و «مشخصه‌های گفتمانی تعاملات مختلف دو جنس با هم در زبان فارسی و جوامع فارسی زبان» پژوهش‌های پراکنده‌ای انجام شده، اما توصیف جامعی از هیچ یک از این حوزه‌ها به دست داده نشده است. از طرف دیگر در حوزه «برنامه‌ریزی جنسیتی زبان فارسی» هیچ پژوهش مستقلی صورت نگرفته و اساساً آنچه در این مورد گفته شده همه مبتنی بر حدس و گمان است.

۵) جمع بندی

مهم‌ترین نقیصه‌های موجود در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت به طور کلی و در زبان فارسی و فارسی زبانان عبارتند از:

الف) مفهوم جنسیت به طور دقیق تعریف نشده است و شاید به همین دلیل پژوهش‌های موجود معمولاً از منظری بسیار محدود به موضوع نگرینسته و مثلاً فقط به ارتباط واحدهای واجی (یا به طور کلی متغیرهای زبانی) و جنس شرکت کنندگان در گفتمان محدود می‌شوند. در واقع نظریه‌های جنسیتی مطرح هیچ جایگاهی در این پژوهش‌ها ندارند.

ب) جنس زیست شناختی که همواره ملاک تعریف جنسیت در مطالعات زبان‌شناسی جنسیت قرار می‌گیرد، یک تقسیم‌بندی ساده انگارانه است که ابعاد

اجتماعی، روانشناختی و فرهنگی این مفهوم را دربرداشته و در نتیجه موجب مورد غفلت واقع شدن بسیاری از موضوعات مرتبط در این زمینه می‌شود.

ج) مفهوم جنسیت یک مفهوم ایستا نیست که در طول زمان و از جامعه‌ای به جامعه دیگر (به بیان دقیق‌تر از یک شبکه اجتماعی به شبکه اجتماعی دیگر) ثابت و یکسان باقی بماند. این مفهوم را باید در طیفی که یک سر آن جنسیت زیست‌شناختی و سر دیگر آن جنسیت فرهنگی است، مشاهده کرد و بنابراین لازم است که این مفهوم در هر بافت، هر جامعه زبانی و حتی هر گروه اجتماعی دوباره تعریف کرد.

د) در مطالعات زبان‌شناسی جنسیت، معمولاً «بافت» به چند متغیر اجتماعی مجزا از هم با تعاریف سنتی غیر بافت - محور مانند سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی، شغل و ... محدود می‌شود؛ و این درحالی است که «بافت» شبکه‌ای از روابط این متغیرهاست. یعنی لازم است که پژوهشگر این حوزه برای ترسیم این بافت به تلفیق متغیرها بر اساس الگوی فرهنگی مربوط به هر جامعه بپردازد. در واقع، این بدین مفهوم است که پژوهش‌های این حوزه باید از نظریه‌های اجتماعی مرتبط بهره بگیرند، چرا که معمولاً این نوع مطالعات به گزارش آمار و ارقام مطالعه میدانی ختم شده و هیچ‌گونه توصیف و تحلیل اجتماعی به همراه ندارند. رویکرد بافت مدار در مطالعات زبان‌شناسی جنسیت و به بیان ساده‌تر تلفیق و ترکیب رفتارهای زبانی و غیر زبانی که محل تلاقی جامعه‌شناسی زبان و تحلیل گفتمان است لازم و ضروری است.

ه) جنسیت در مفهوم تلفیقی آن (که از مؤلفه‌های زیست‌شناختی، روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی تشکیل شده است) یکی از مؤلفه‌های هویت‌های فردی و اجتماعی است. به همین دلیل، رابطه زبان و جنسیت زیرمجموعه‌ای از رابطه زبان

و هویت است. به این ترتیب، در مطالعات زبان‌شناسی جنسیت، زبان و رفتار زبانی سرمایه نمادین بیان هویت‌های جنسی تلقی می‌شود.

(و) مطالعات کمی این حوزه معمولاً مبتنی بر نمونه‌های آماری محدود هستند و بنابراین قابلیت تعمیم ندارند.

ز) علاوه بر این که بیشتر مطالعات این حوزه فقط در مورد یک زبان یعنی انگلیسی انجام شده‌اند، مطالعات زبان‌شناسی جنسیت در سایر زبان‌ها و از جمله زبان فارسی نیز با الگوبرداری صرف و بدون هرگونه بومی‌سازی با بافت فرهنگی مرتبط انجام شده است.

ح) تحلیل‌های اندکی که در این حوزه انجام شده است، به طور ناخودآگاه مبتنی بر این فرض است که رفتار زبانی مردانه نرم و هنجار است، آن‌چنان که در برنامه‌ریزی‌های جنسیتی زبان، فمینیست‌ها نیز گرفتار همین عادت فکری هستند.

ط) زبان‌شناسی جنسیت دارای ابعاد مختلفی است. برخی از این ابعاد عبارتند از: عناصر زبانی جنسیتی در نظام ساختاری زبان که ممکن است در آواها، تکواژها، واژه‌ها، نظام صرفی، نحوی و گفتمانی زبان‌ها ظاهر شوند؛ کاربردهای زبانی مختلف جنسیت‌ها، مشخصه‌های گفتمانی تعاملات مختلف جنسیت‌ها با هم و بالاخره برنامه‌ریزی جنسیتی زبان به عنوان زیرشاخه‌ای از تحلیل انتقادی گفتمان و برنامه‌ریزی زبان. به این ترتیب، مشاهده می‌شود که این حوزه، حوزه‌ای میان رشته‌ای است که پژوهش در آن مستلزم استفاده از نظریه‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و تحلیل گفتمان است.

ی) توصیف ساختار زبان فارسی از بعد عناصر زبانی جنسیتی و طبقه‌بندی انواع این عناصر لازم و ضروری می‌نماید. پژوهش‌هایی که تاکنون در ارتباط با

زبان‌شناسی جنسیت و زبان فارسی انجام شده است، بیشتر در حوزه کاربردهای زبانی مختلف جنسیت‌ها بوده است، با این حال در بیشتر این آثار تحلیل‌های جامعه‌شناختی و بافتی انجام نشده است و محققان کار را به گزارش آمار و ارقام ختم نموده‌اند. در مورد مشخصه‌های گفتمانی تعاملات مختلف جنسیت‌ها با هم نیز اگرچه پژوهش‌های انگشت‌شماری انجام شده است، هیچ‌یک در جهت توصیف جامع این گفتمان‌ها نبوده است و بالاخره در حوزه برنامه‌ریزی جنسیتی زبان فارسی هیچ پژوهش نظام‌مند و علمی انجام نشده است.

منابع

- اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *تعامل زبان و جنسیت و کاربرد آن در ادبیات داستانی معاصر فارسی*، به راهنمایی دکتر یحیی مدرس، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران.
- افتخاری، معصومه (۱۳۷۸)، *قطع‌گفتار در گفتگوهای خانوادگی زوج‌های فارسی زبان تهرانی*، به راهنمایی دکتر یحیی مدرس، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- انصاری، لیلا (۱۳۸۶)، *بررسی تفاوت‌های گفتار زنان و مردان در جامعه زبانی کازرون*، به راهنمایی دکتر محمدرضا پرهیزگار، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران.
- برزگر آق‌قلعه، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *جنسیت و تفاوت واژگان افراد در فارسی معیار به کار رفته در ادبیات داستانی*، به راهنمایی دکتر علی افخمی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- پاک‌نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱)، *فردستی و فرودستی در زبان*، تهران: انتشارات گام‌نو.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

پور جهان، پریسا (۱۳۷۸)، *گونه عامیانه زبان فارسی و تفاوت‌های کلامی زنان و مردان*، به راهنمایی دکتر ویدا شفاقی، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

توکلی، مرجان (۱۳۸۰)، *بررسی تأثیر جنسیت بر روی گستره واژگان نوشتاری دانش آموزان مقطع راهنمایی در شهر تهران*، به راهنمایی دکتر ارسلان گلغام، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.

جابر، مریم (۱۳۸۱)، *بررسی مبالغه و رابطه آن با جنسیت در نوشتار فارسی و انگلیسی*، به راهنمایی دکتر سید محمد ضیاء حسینی، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، جان نژاد، محسن (۱۳۸۰)، *زبان و جنسیت: پژوهش زبان‌شناختی اجتماعی: تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن*، به راهنمایی دکتر علی افخمی، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

دیرین، معصومه (۱۳۸۰)، *جنبه‌هایی از تفاوت رفتار کلامی مردان و زنان فارسی زبان تهران*، به راهنمایی دکتر یحیی مدرسی، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

رحمتیان، روح‌الله؛ اطرشی، محمدحسین (۱۳۸۶)، *بررسی نقش جنسیت در فرآیند یادگیری زبان خارجی، پژوهش‌نامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ویژه‌نامه زبان‌شناسی*، ش ۵۵.

رضاپور، ابراهیم (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی نظیر سن، جنسیت، تحصیلات و شغل بر بسامد رمزگردانی»، *مجله زبان‌شناسی*، سال ۲۲، ش ۴۳.

رویگریان، شیوا (۱۳۷۸)، *سخن همدلانه و رقابت جویانه در ادبیات زنان پس از انقلاب*، به راهنمایی دکتر علی افخمی، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

شازاد، لیلا (۱۳۸۱)، *نقش جنسیت در شروع و پایان مکالمات حضوری سریال‌های ایرانی تلویزیون*، به راهنمایی دکتر حسین وثوقی، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

- شاه ناصری، شادی (۱۳۸۱)، *بررسی هنجارهای واژگانی در تعاملات کلامی دختران نوجوان*، به راهنمایی دکتر ویدا شقاقی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شجاع رضوی، سعیده (۱۳۸۶)، «جنسیت و شمول معنایی»، *فصل‌نامه پازند*، سال سوم، ش ۱۰.
- شکیبا، نوشین (۱۳۸۳)، *تأثیر بافت اجتماعی کاربرد دشواژه‌ها توسط زنان و مردان تهرانی*، به راهنمایی دکتر ویدا شقاقی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- شیخی، حامد (۱۳۸۶)، *تفاوت‌های گونه عامیانه میان جنس مذکر و مونث در فارسی تهرانی*، به راهنمایی دکتر نگار داوری اردکانی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران.
- صفایی اصل، اسماعیل (۱۳۸۳)، *بررسی نگرش دانش‌آموزان دوزبانه شهر مرنند نسبت به کاربرد زبان فارسی با تکیه بر جنسیت و طبقه اجتماعی*، به راهنمایی دکتر سید محمد ضیاء حسینی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عاصفی کیا، مهرنوش (۱۳۸۴)، *بررسی نقش جنسیت در انتخاب واژگانی در ترجمه متون نثر ادبی از انگلیسی به فارسی*، به راهنمایی دکتر علی افخمی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- عاملی موسوی، بهناز (۱۳۶۸)، *گفتار مؤدبانه و جنسیت در فارسی تهران*، به راهنمایی دکتر علی اشرف صادقی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- عدمی، فریبا (۱۳۸۳)، *بررسی کاربرد سبک‌های گفتاری زبان فارسی و امکانات اداری بر اساس متغیرهای جنس و سن در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی*، به راهنمایی دکتر یدالله پرمون، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران.
- عسگری، معصومه (۱۳۷۵)، *تفاوت‌های تلفظی زنان و مردان در فارسی تهرانی*، به راهنمایی دکتر یحیی مدرس، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فاریسیان، محمدرضا (۱۳۷۸)، *جنسیت در واژگان*، به راهنمایی دکتر علی افخمی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

کشاوری، محمدحسین (۱۳۷۱)، «رابطه متقابل زبان و جامعه بر نقش اجتماعی ضمایر شخصی و صورت‌های خطاب»، *مجله زبان‌شناسی*، سال نهم، ش ۱۸.
مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مدنی، راشین (۱۳۷۸)، *تفاوت‌های جنس در زبان فارسی تهران بر حسب طبقه اجتماعی*، به راهنمایی دکتر نادر جهانگیری، کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

مهدی پور، مرجان (۱۳۷۸)، *بررسی قدرت در گفتار زنان و مردان فارسی زبان*، به راهنمایی دکتر یحیی مدرسی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
نصرتی، لیدا (۱۳۷۸)، *بررسی تفاوت‌های تکیه کلامی در گفتار زنان و مردان فارسی زبان تهران*، به راهنمایی دکتر یحیی مدرسی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.

نقش تبریزی، نوشین (۱۳۸۱)، *استفاده از تعارفات و ارتباط آن با جنسیت در زبان فارسی*، به راهنمایی دکتر زهره اسلامی راسخ، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران.

نوشین فر، ویدا (۱۳۷۴)، *زبان، جنسیت و اجتماع*، به راهنمایی دکتر مهدی مشکوه‌الدینی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

یعقوبی، هما (۱۳۸۷)، *تاثیر جنسیت بر شیوه بیان تقاضا در زبان فارسی*، به راهنمایی دکتر نگار داوری اردکانی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران.

chakani, Sarvar (2000), *Language and Gender: A Contrastive View on Farsi and English Discourse*, Supervised by: Dr. B. Behnam, MA. In TEFL, Islamic Azad University of Tabriz.

- Ghane, Mohammad Hassan (2001), *The Interaction of Language and thought between Male and female among Persian and English Speakers*, Supervised by: Dr. L. Yarmohammadi, MA. In TEFL, Islamic Azad University of Shiraz.
- Tannen, D (1995), “The Power of Talk: Who Gets Heard and Why”, *Harvard Business Review*, September, v 73, n5, p 138- 148.
- Wardhaugh, Ronald (2006), *An Introduction to Sociolinguistics (5th ed.)*, Oxford :Blackwell Publishing.
- Wodak, Ruth& Benke, Gertrud (2007), *Gender as a Variation in Sociolinguistics*, in The Handbook of Sociolinguistics, Cambridge, MA: Blackwell.
- Yamini, Hojjatollah (1996), *A Sociolinguistic Study of Sex- Based Difference in Persian Compliment Patterns*, Supervised by: Dr. F. Sadighi, MA. In TEFL, Shiraz University.
- Mills, Margaret, H.(ed.) (1999), *Slavic Gender Linguistics*, Amsterdam: John Benjamins.